

تحلیل روی کرد اسرائیل در قبال مذاکرات ۵+۱ با ایران بر پایه ی نظریه ی بازی ها

عبدالرضا فرجی راد^۱ - مجید نجفوی ترکمان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۹

چکیده

دیپلماسی به عنوان حوزه ی موضوعی در روابط بین الملل هدف تحلیل نظریه پردازان بازی بوده است. از دیدگاه این نظریه پردازان در ساده ترین شکل دیپلماسی بین کشورها، دو دولت تصور می شود که یکی از آن ها پیشنهاد دهنده است و دیگری چند راه پیش روی دارد: چارچوب پیشنهاد شده را بپذیرد، پیشنهادهای متقابلی ارائه دهد و یا مذاکره را بر هم بزند. اگر گزینه ی پیشنهاد متقابل انتخاب شود، دولت اول نیز با موقعیت مشابه سه گانه بالا روبه رو می شود. این روند سرانجام با پذیرش یک گزینه یا بر هم زدن کل بازی پایان می یابد. یکی از عوامل اساسی در انتخاب میان گزینه های مختلف، ارزش انتظاری دستاوردی است که یک دولت از گزینه های پیش رو با توجه به عامل تنزیل زمان تخمین می زند. با توجه به این اصل، مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱ در سال های اخیر با نشیب و فرازهای فراوانی روبه رو بوده است. طرفین برای رسیدن به موضع

۱. استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. a.farajirad@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین الملل وزارت امورخارجه. majid.apple@gmail.com

مشترک و طراحی برنامه ای برای برداشتن گام های هم زمان و هم سطح مسیری طولانی را طی کرده اند. بازی گران مختلفی نیز با توجه به منافع خود سعی کرده اند در این مسیر با آنان همراه شوند و نقش آفرینی مورد نظر خود را داشته باشند. در این بین رژیم صهیونیستی تلاش های فراوانی برای تضعیف موقعیت ایران در میز مذاکرات انجام داده است. از نظر مقامات این رژیم انعقاد هرگونه توافق نامه ای که در آن حق غنی سازی ایران به رسمیت شناخته شود خبر خوب برای اسرائیل محسوب نمی شود و بی اعتمادی ذاتی اسرائیل به ایران، اجازه نمی دهد تا برای چنین توافق نامه ای آرزوی موفقیت کند اما با این حال، اسرائیل از ترس انزوا ناگزیر خواهد بود که با این توافق کنار بیاید. در این پژوهش هدف، پاسخ به این پرسش است که نتیجه ی نهایی مطلوب در مذاکرات ۵+۱ با ایران از دیدگاه اسرائیل دارای چه مختصاتی است و اسرائیل چه فعالیت‌هایی برای رسیدن به خواسته ی مطلوب خود انجام داده است؟ در همین راستا تلاش شده است، این مسأله در چارچوب بازی با حاصل جمع صفر تحلیل و بررسی شود و پرداخت های گوناگونی که دو طرف بازی یعنی ایران (بازیکن الف) و اسرائیل (بازیکن ب) در بین سال های ۸۶ تا ۹۱ داشته اند، مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده شود.

واژگان کلیدی: ایران، اسرائیل، نظریه ی بازی‌ها، مذاکرات ۵+۱

مقدمه

دولت‌ها در منازعات بین‌المللی برای دست یابی به هدف‌ها، تحقق ارزش‌ها یا دفاع از منافعشان تلاش‌هایی مختلفی را از طریق مجاری رسمی دیپلماتیک برای اعمال نفوذ و اراده ی خود بر طرف مقابل انجام می‌دهند. بخش مهمی از این فعالیت‌ها مربوط به بیرون از فضای مذاکرات و مجاری دیپلماتیک است. فعالیت‌هایی که بسته به مقدرات و توانایی‌های طرفین منازعه برای تغییر قواعد بازی اعمال می‌شود. منازعات بین‌المللی به عنوان

حوزه ی موضوعی در روابط بین الملل هدف تحلیل نظریه پردازان بازی بوده است. نظریه بازی‌ها^۱ در این میان می‌کوشد در چارچوبی منطقی و ریاضی‌وار به تحلیل رویدادها بپردازد. تقریباً تمامی نظریه پردازان بازی‌ها بر این عقیده اند که نظریه مورد استفاده آن‌ها متوجه ی شیوه رفتار موسوم به رفتار صحیح عقلایی در وضعیت های منازعه‌آمیزی ناظر است که طی آن شرکت‌کنندگان در منازعه، سعی در «بردن» دارند. در این پژوهش که از روش توصیفی- تحلیلی بهره گرفته شده، هدف مشخص کردن پاسخ این پرسش است که نتیجه ی نهایی مطلوب در مذاکرات ۵+۱ با ایران از دیدگاه اسرائیل دارای چه مختصاتی است و اسرائیل چه فعالیت‌هایی برای رسیدن به خواسته ی مطلوب خود انجام داده است؟ در همین راستا تلاش شده است، این مسأله در چارچوب بازی با حاصل جمع صفر^۲ و پرداخت‌های مختلفی که دو طرف بازی یعنی ایران (بازیکن الف) و اسرائیل (بازیکن ب) در بین سالهای ۸۶ تا ۹۱.ش داشته‌اند، تحلیل و بررسی شود.

در بخش اول، روی کرد اسرائیل به عنوان یک بازیکن فرعی اما تأثیرگذار در پرونده ی هسته‌ای ایران در قالب مواضع، واکنش‌ها و فعالیت‌های این رژیم در قبال مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ بررسی خواهد شد و در گام بعدی بحثی مختصر درباره نظریه ی بازی‌ها به عنوان الگوی تحلیل این پژوهش ارائه می‌شود. بخش دوم نیز مربوط به تحلیل روی کرد اسرائیل در قبال مذاکرات ۵+۱ با ایران بر پایه ی نظریه بازی‌ها و ارائه طرح تحلیلی ساده کننده برای ایجاد تمرکز بر موقعیت های تعارض‌آمیز این روی کرد است. در ساماندهی این پژوهش با مراجعه به گزارش‌ها و مقالات عبری و انگلیسی مراکز مطالعاتی و اتاق‌های فکر اسرائیل برای فهم واقعی‌تر آن چه که مقامات و تحلیل گران ارشد مقیم مراکز مطالعاتی مطرح این رژیم در مذاکرات ۵+۱ با ایران

1 Game theory
2 Zero sum game

دنبال می‌کند، سعی بر این بوده است که با به دست دادن اطلاعات دست اول بعد روی کردی مقاله غنی شود.

۱. تبیین چارچوب موضوع

در بخش نخست این پژوهش تلاش می‌شود به مواضع و واکنش‌هایی که اسرائیل پس از هر دور مذاکره در طول مذاکرات تا آلماتی ۲ داشته است، اشاره شود. سپس به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که نقش اسرائیل در روند مذاکرات ۵+۱ با ایران چیست؟ ناظر پی‌گیر یا مداخله‌گر؟

الف- مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱

آن چه که امروز از آن با نام گروه ۵+۱ یاد می‌شود شامل پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد یعنی ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا و فرانسه به علاوه آلمان است. هدف این گروه «ایجاد یک مکانیسم مذاکراتی با ایران» بود. در واقع بعد از این که پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت رفت، مکانیسم قبلی یعنی مکانیسم «تروئیکای اروپایی»^۱ متشکل از سه کشور «آلمان، فرانسه و انگلیس» که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ م. مسئول انجام مذاکرات با ایران بودند، دیگر جواب گو نبود. چرا که آن‌ها نمی‌توانستند پرونده‌ای را که در شورای امنیت قرار دارد، مدیریت کنند، بنابراین تصمیم گرفته شد یک مکانیسم مذاکراتی جدید با ایران ایجاد شود، اگر چه مذاکرات ایران با طرف غربی تا سال ۲۰۰۷ م. به دلیل ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و به خاطر این که غربی‌ها تصور می‌کردند در اثر صدور قطع‌نامه‌های متوالی علیه ایران قادر خواهند بود موضع ایران را تغییر دهند، حدود یک سال متوقف شد. از آن پس چارچوب مذاکرات با سه کشور اروپایی کنار گذاشته شد و مذاکرات با ایران در چارچوب ۵+۱ پی‌گرفته شد.

نکته ی حائز اهمیت این که از همان ابتدای شکل گیری هدف ۵+۱ اساساً هماهنگ کردن واکنش جهانی نسبت به برنامه هسته ای ایران بوده است.

ب- رویکرد اسرائیل در قبال مذاکرات هسته ای ایران با گروه ۵+۱

از زمان شروع دور اول مذاکرات ۵+۱ متشکل از شش کشور آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین و آلمان با ایران تا به حال، تحولات بسیاری در منطقه و جهان صورت گرفته اما نتایج هر دور از این مذاکرات همواره مورد توجه اغلب کشورهای جهان و نهادهای بین المللی قرار گرفته است. در این رابطه واکنش های منفی اسرائیل از ابتدای شروع مذاکرات نسبت به نتایج و دستاوردهای آن نشان گر نگرانی شدید این رژیم نسبت به رسمیت شناختن حق غنی سازی برای ایران و دست یابی به هرگونه توافق دائم مبنی بر شناسایی حق ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای است.

مقامات اسرائیل معتقدند که ایرانی ها از مذاکرات با هدف خرید زمان استفاده می کنند تا بتوانند غنی سازی اورانیوم را ادامه بدهند و به مرحله دست یابی به سلاح هسته ای برسند. بنابراین خواهان اتخاذ موضع جدی تری از سوی جهان در برابر ایران هستند (JerusalemPost, 2013: 8).

نشست های گروه ۵+۱ با ایران در فواصل زمانی متفاوت تحت تاثیر مستقیم اقدامات و فعالیت های طرفین مذاکره برای داشتن دست بالا در مذاکرات بوده است. این روی کرد یعنی گزینه فشار- مذاکره مخصوصاً از جانب آمریکا به شدت دنبال می شود که روند دست یابی به مصالحه برد- برد را با چالش جدی مواجه می کند. در این بین اسرائیل در راستای استراتژی کلی مقابله با تهدید خود ساخته «ایران هسته ای» فعالیت های خود را به موازات مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران در طول مذاکرات پی گرفته است. بررسی مجموعه مواضع، واکنش ها و فعالیت های اسرائیل نشان می دهد که این رژیم نه تنها در نقش ناظر و پی گیر

روند مذاکرات را دنبال می‌کند بلکه در قالب یک بازی گر اثرگذار و بعضاً مداخله‌گر خواهان اثرگذاری و جهت‌دهی به روند مذاکرات بوده است.

مواضع و واکنش‌های اسرائیل در قبال مذاکرات ۵+۱ با ایران

به طور کلی در داخل اسرائیل بسیاری از مقامات این رژیم شیوه‌های سیاسی و دیپلماتیک را در مقطع حاضر بهترین گزینه برای جلوگیری از رشد توانایی هسته‌ای ایران می‌دانند و هم سو با فعالیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای که همراه با صلح‌طلب نشان دادن خود و جنگ-طلب نشان دادن ایران است، تلاش می‌کنند تا سطح تماس و مذاکرات دیپلماتیک با سران دیگر کشورها را در دستور کار خود قرار دهند و بر دو موضوع «توان موشکی ایران» و «فعالیت‌های هسته‌ای» متمرکز شوند اما گروه‌هایی هستند که فقط به تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم نظامی اعتقاد دارند و معتقدند که فشارهای سیاسی بین‌المللی نمی‌تواند ایران هسته‌ای را مهار کند.

مقامات اسرائیل در این راه از کلیه اقدامات رسانه‌ای و مراکز پژوهشی خود که دیدگاه مقام‌ها و نخبگان اسرائیلی را انعکاس می‌دهند، نهایت استفاده را کرده‌اند، از جمله مهمترین این مراکز، مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل^۱، مرکز مطالعات استراتژیک جافی، مرکز بگین سادات، دبکا فایل، مرکز اتحاد در برابر ایران هسته‌ای^۲ و روزنامه‌هایی هم چون «هآرتص» و «جرولم پست» است.

استراتژیست‌های این رژیم در خصوص دیدگاه اول یعنی گزینه دیپلماتیک برای حل پرونده هسته‌ای ایران معتقدند احتمال رسیدن به یک راه حل با ایران عملاً غیرممکن است مگر این که یک تغییر رادیکال در رویکرد جامعه بین‌المللی در قبال ایران به وجود بیاید (Ephraim Asculai, 2006: 5).

1 INSS
2 UANI

توصیه ی آنان به طرف ایرانی هم برای اثبات این که خواهان یک مذاکره واقعی با جهان است و هدفش از مذاکره خرید زمان برای غنی سازی بیشتر و حرکت به سمت تسلیحات هسته ای نیست، این است که فعالیت های هسته ای خود را در قدم اول به صورت نامحدود تعلیق و درهای خود را کامل و بدون هیچ گونه مانعی برای بازرسان آژانس بین-المللی انرژی اتمی باز کنند (Ephraim Asculai, 2006: 5).

همان طور که قبلاً اشاره شد نگاه اسرائیل به روند دیپلماتیک پرونده هسته ای ایران جدا از استراتژی کلی مقابله با تهدید ایران هسته ای نیست. بر این اساس در کنار موضع گیری ها و واکنش های رسمی و رسانه ای، فعالیت ها و اقدامات عملی را نیز هم زمان برای کند کردن روند هسته ای شدن ایران و در نتیجه تضعیف موقعیت ایران در میز مذاکره برای تحمیل شرایط مطلوب خود و در نهایت شکست ایران در این مذاکرات انجام داده است. این اقدامات متمرکز بر تمامی حوزه های مورد مناقشه در مذاکرات بوده است:

۱. سطوح و دامنه غنی سازی اورانیوم؛
۲. دامنه ی بازرسی ها؛
۳. ساخت نیروگاه های جدید هسته ای؛
۴. ذخایر اورانیوم غنی شده؛
۵. چرخه ی سوخت هسته ای؛
۶. مطالعات ادعایی تسلیحاتی شدن؛
۷. نحوه ارائه ی تضمین های لازم برای برگشت ناپذیری تحریم ها؛
۸. افزایش تعداد و تراکم بازرسی ها از پارچین؛
۹. توقف گسترش تأسیسات سازه ای و غنی سازی در فوردو؛
۱۰. مصاحبه ی آژانس با کارشناسان هسته ای؛
۱۱. طرح های مرتبط با تولید آب سنگین؛

۱۲. ساخت سانتریفیوژ های پیشرفته؛

۱۳. پروتکل الحاقی و معاهده ی منع جامع آزمایش های هسته ای؛

۱۴. قطع نامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد.

تلاش های اسرائیل در عرصه ی دیپلماتیک مبتنی بر ایجاد و تشدید یک احساس وضعیت اضطراری در جامعه ی بین المللی بوده است. از اولین نشست گروه ۵+۱ با ایران و دیدار خاویر سولانا با نماینده ی ایران تا نشست آلماتی مقامات این رژیم مواضع مختلفی را درباره نشست‌ها اتخاذ کرده‌اند و سعی کرده‌اند تا نگرانی های خود را به هر نحو ممکن به جامعه بین‌المللی تزریق کنند.

شروع مذاکرات هسته ای در ژنو هم زمان با ترور دانشمندان هسته‌ای ایران بود. بعد از مذاکرات ژنو ۳ شیمون پرز در واکنش به مذاکرات اعلام کرد: نتایج این مذاکرات برای پایان دادن به برنامه هسته ای ایران، مهم و حساس بود. وی اضافه کرد: ما از فعالیت هسته ای ایران نگرانیم. ما قصد تعرض به هیچ کشوری را نداریم اما از تهدیدهای ایران برای نابودی اسرائیل نگرانیم (رجانیوز، ۱۳۸۸).

پیش از مذاکرات استانبول ۲ هم اسرائیل نسبت به از سرگیری مذاکرات ایران و ۵+۱ که با فاصله یک سال از مذاکرات قبلی برگزار می‌شد واکنش محتاطانه‌ای نشان داد. مشاور امنیت ملی رژیم صهیونیستی از آمادگی کشورهای شرکت کننده در مذاکرات هسته-ای ۵+۱ با ایران استقبال کرد و گفت که در صورت صرف‌نظر کردن ایران از برنامه هسته-ای، اسرائیل بیشتر از همه خوشحال می‌شود (فارس، ۱۳۹۰).

در شرایطی که «کاترین اشتون» مسئول سیاست خارجی اتحادیه ی اروپا از آمادگی کشورهای گروه ۵+۱ برای از سرگیری مذاکرات هسته ای با ایران خبر می‌داد، «یعقوب امیدرور»، مشاور وقت امنیت ملی و «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر اسرائیل نیز به شیوه‌ای محتاطانه از این رویکرد استقبال و تاکید کردند که ایران از دسترسی به ابزاری که اورانیوم

تحلیل روی کرد اسرائیل در قبال مذاکرات ۵+۱ با ایران... / ۳۷

را در مقیاس ساخت بمب تولید می‌کند، منع شود. مشاور امنیت ملی اسرائیل با اشاره به این که درباره ی شروع مذاکرات هسته‌ای با ایران خوشحال است، اعلام کرد: اگر در این مذاکرات مشخص شود که ایران قابلیت‌های تسلیحاتی برنامه هسته‌ای خود را رها خواهد کرد، هیچ کشوری بیشتر از ما خوشحال نخواهد شد، باید روشن شود که مقامات ایران بدون یک جایگزین نظامی واقعی وادار به مذاکره نخواهند شد ولی به هر حال باید آماده ناکام ماندن این مذاکرات نیز بود (Haaretz, 2012: 4).

نکته ی جالب این که در همین رابطه وزیر امور خارجه سوئد کارل بیلست^۱ (۲۰ مارس ۲۰۱۲) پس از دیدار وزیران امور خارجه اتحادیه ی اروپا در کپنهاگ از اسرائیل خواست که در روند مذاکرات آتی ۵+۱ با ایران در استانبول اخلال ایجاد نکند (ایران هسته‌ای، ۱۳۹۱).

پس از برگزاری گفتگوهای ۵+۱ و ایران در استانبول^۲ که طرفین برای دور بعدی مذاکرات در بغداد توافق کردند، اسرائیل از همان آغاز، دستاورد این نشست را مورد انتقاد قرار داده و مدعی شد که غرب امتیازهای مجانی به ایران ارائه داده است و تهران می‌تواند در این فاصله فعالیت های غنی سازی اورانیوم را دنبال کند.

در حالی که مقامات غربی خرسندی خود را از اعلام کرده بودند، مقامات تل آویو ضمن ابراز نارضایتی از فضای خوش بینانه مذاکرات ۵+۱ و ایران، نگرانی خود را از نتیجه بخش بودن این مذاکرات اعلام کردند. بر این اساس «ایهود باراک» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی با ابراز نگرانی از ادامه این مذاکرات مدعی شد؛ تل آویو از طرح مقابله نظامی با ایران صرف نظر نخواهد کرد. ایهود باراک که با یک رادیو اسرائیلی گفتگو می‌کرد، گفت: مذاکرات مذکور، برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نمی‌کند چرا که ایران هم چنان به

دنبال اهداف نظامی در این برنامه است. باراک در ادامه سخنان خود گفت مذاکره با این کشور به معنای اتلاف وقت است (Foxnews, 2012: 4).

در مذاکرات بغداد هم واکنش اسرائیل در نوع خود قابل توجه بود. به دنبال انتشار خبر مذاکره ایران و گروه ۵+۱ و تشدید اختلاف موضع واشنگتن و تل‌آویو در قبال ایران، نخست وزیر و وزیر جنگ اسرائیل از دیدار با مذاکره کننده آمریکا در مذاکرات بغداد که با هدف ارائه گزارش از مذاکرات ۱+۵ با ایران وارد تل‌آویو شده بود، خودداری کردند (RT, 2012: 5).

نقطه ی اوج نگرانی اسرائیل در مسیر حل پرونده هسته ای ایران در مذاکرات آلمانی بروز کرد بعد از انتشار اخبار مذاکرات، مقامات اسرائیل نگرانی خود را از برقراری هر گونه تفاهمی که انتظاراتشان را برآورده نکند، ابراز کردند. آوگیدور لیبرمن، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان اسرائیل در مصاحبه با جرزالم پست گفت: شکی نیست که ایران در حال وقت‌کشی است. تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، کافی نیستند و باید اقدامات شدیدتری را علیه این کشور اعمال کرد. رئیس کمیته ی دفاع و روابط خارجی در پارلمان اسرائیل (کنست) افزود: جامعه ی جهانی وظیفه دارد از تجربه‌اش در زمینه مقابله با کره شمالی استفاده کند و بفهمد تحریم‌ها به تنهایی برای توقف پیشرفت های ایران و کره شمالی کافی نیستند. باید گام بعدی را انجام بدهیم و تدابیر شدیدی را علیه این کشورها به کار بگیریم (Haaretz, 2010: 11).

به نوشته جرزالم پست، سطح انتظارات اسرائیل از مذاکرات روزهای جمعه و شنبه در آلمانی قزاقستان بسیار پایین و توأم با بدبینی بود. پس از مذاکرات آلمانی هم که ظاهر امر نشان می داد مذاکرات هسته‌ای با ایران پیشرفت داشته است و نسبت به مذاکرات گذشته قدمی رو به جلویی را پیموده است، مقامات اسرائیل معتقد بودند ایران باز هم برای خود زمان خریده است. اعلام این مسأله از جانب ۵+۱ که خواهان کاهش آمادگی

تأسیسات فردو هستند نه تعطیلی آن بسیار پایین تر از سطح انتظارات اسرائیل بوده است (Press tv, 2013: 3).

یووال استینیتز^۱، وزیر اطلاعات و امور استراتژیک اسرائیل نیز در واکنش به آخرین دور مذاکرات اتمی ایران با ۵+۱ گفت: زمان آن رسیده است که جهان موضع جدی‌تری در برابر ایران در پیش بگیرد و با عبارتهای واضح و شفاف به ایرانی‌ها بگوید که «مسخره بازی مذاکرات» در آستانه پایان یافتن است. وی ادامه داد: اسرائیل قبل از این، هشدار داده بود که ایرانی‌ها از مراحل مذاکرات با هدف خرید زمان استفاده می‌کنند تا بتوانند غنی‌سازی اورانیوم را ادامه بدهند و به مرحله دست‌یابی به سلاح هسته‌ای برسند. وی افزود: بدون تهدید ملموس و قابل‌اعتنا با برنامه کاری کوتاه، واضح و نهائی، پایان بخشیدن به برنامه هسته‌ای ایران امکان‌پذیر نیست (JerusalemPost, 2013: 4).

این مقامات اسرائیلی تأکید کرده‌اند که اولویت سیاست خارجی کشورشان «دفع نهایی و قطعی خطر و تهدید اتمی» ناشی از برنامه هسته‌ای ایران است و در این راستا، اسرائیل بر مبنای منافع ملی خود عمل خواهد کرد. در همین زمینه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل نیز دو روز پیش از آغاز این مذاکرات با ناخشنودی از طولانی شدن روند گفت‌وگوها و دادن امکان به ایران برای وقت‌کشی در حالی که برنامه هسته‌ای خود را هم‌چنان پیش می‌برد، افزود: «نباید رفتاری را قبول کرد که ایران ضمن آن که مذاکرات کش‌دار و بی‌نتیجه را ادامه می‌دهد، ساخت سلاح هسته‌ای را نیز دنبال کرده و تهدید به استفاده از آن هم می‌کند» (Reuters, 2013: 3).

بعد از آخرین دور مذاکرات نتانیاهو در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی گفت: که تهران در صورتی می‌تواند از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز استفاده کند که همه برنامه‌های غنی‌سازی را متوقف کرده و سوخت را از کشور دیگری تأمین کند. موضعی که ایران به روشنی آن را رد کرده و بارها بر به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی در خاک خود

تاکید کرده است. البته انتظارات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بسیار بیشتر از توقف برنامه غنی‌سازی است. وی هم چنین خواستار تعطیلی تأسیسات هسته‌ای فوردو در نزدیکی قم شده و بارها تهدید استفاده از گزینه نظامی علیه ایران را مطرح کرده است و از این که اسرائیل در موضع کشوری قرار داشته باشد که می‌خواهد اقدام نظامی انجام دهد، نگران نیست. (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱)

این اظهارات مؤید این نکته است که با نزدیک شدن طرفین مذاکرات به توافق دو جانبه‌ای که در آن حق غنی‌سازی برای ایران به رسمیت شناخته شود، آشفته‌گی مقامات اسرائیل نیز بیشتر می‌شود. در عین حال سطح انتظارات مقامات اسرائیلی با توجه به روند مذاکرات بین ایران و ۵+۱ تا به امروز و تحولات مربوط به پرونده هسته‌ای ایران با تغییراتی همراه بوده است. مقاومت‌هایی که از جانب ایران صورت گرفته و پیشرفت‌هایی که در برنامه هسته‌ای خود به آن رسیده است و از طرفی ناکامی‌های اسرائیل بعد از اجرای استراتژی‌های مختلف در متوقف کردن این روند، عامل اصلی این تغییر بوده است.

تحلیل‌گران این رژیم انعقاد توافق نامه بین دو طرف را پیش‌بینی کرده‌اند و معتقدند، انعقاد هر گونه توافق نامه‌ای که در آن حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته شود خبر خوب برای اسرائیل محسوب نمی‌شود زیرا برنامه هسته‌ای نظامی ایران را متوقف نخواهد کرد بلکه صرفاً آن را برای مدت زمان نامعلومی به تأخیر می‌اندازد. با این حال، اسرائیل ناگزیر خواهد بود که با این توافق کنار بیاید. بی‌اعتمادی ذاتی اسرائیل به ایران، اجازه نمی‌دهد تا برای چنین توافق نامه‌ای آرزوی موفقیت کند در عین حال از دیدگاه این تحلیل‌گران بعید است ایران با دقت به توافق نامه پایبند بماند اما این توافق نامه باعث شکل‌گیری یک وضعیت جدید خواهد شد.

ج- چارچوب نظری: نظریه ی بازی ها

در این بخش نخست، نظریه بازی ها و کاربردهای آن در روابط بین الملل مطرح می شود و سپس به بازی دو نفره با حاصل جمع صفر پرداخته خواهد شد.

دیپلماسی به عنوان حوزه ی موضوعی در روابط بین الملل هدف تحلیل نظریه پردازان بازی بوده است. در ساده ترین شکل - دو دولت - تصور می شود که یکی از آن ها پیشنهادی را به طرف مقابل ارائه می دهد. بازی گر دوم چند راه پیش روی دارد: چارچوب پیشنهاد شده را بپذیرد، پیشنهادهای متقابلی ارائه دهد و یا مذاکره را بر هم بزند. اگر گزینه پیشنهاد متقابل انتخاب شود، دولت اول نیز با موقعیت مشابه سه گانه بالا روبه رو می شود. این بازی تا زمانی که دو دولت پیشنهادهای متقابلی ارائه دهند ادامه می یابد. سرانجام با پذیرش یا برهم زدن یکی پایان می یابد. یکی از عوامل اساسی در انتخاب میان گزینه های مختلف، ارزش انتظاری دستاوردی است که یک دولت از گزینه های پیش رو با توجه به عامل تنزیل زمان تخمین می زند (طاهرخانی، ۱۳۹۰: ۲۳۴). باید اذعان نمود که این نظریه منطبق بر رفتار صحیح عقلایی است که در وضعیت های منازعه آمیزی ناظر است که طی آن شرکت کنندگان در منازعه سعی در بردن دارند (هرسیچ و ببری، ۱۳۸۵).

این نظریه مفاهیم کلیدی زیر را در بر دارد:

بازی: دادوستد تعاملی که میان طرف های یک مبادله در جریان است. بازی به سه

گونه ی مهارتی، بازی بخت و استراتژی تقسیم می شود.

بازی های استراتژی که در این پژوهش مورد نظر است، گونه ای بازی است که در

آن اقدام هر بازی گر به چگونگی اقدام بازی گر دیگر بستگی دارد. این گونه بازی به دو

استراتژی کم بیشینه و استراتژی بهینه تقسیم می شود. محتاطانه ترین استراتژی، استراتژی

کم بیشینه است که در آن هر یک از بازی گران برای پرهیز از پیامدهای احتمالی بدتر که

ممکن است از استراتژی رقیب بزخیزد، این استراتژی محتاطانه را در پیش می گیرد؛

قواعد بازی: دستورالعمل‌های اعلام شده و یا نشده‌ای است که توسط بازی‌گران مراعات می‌شود تا گزینه‌های بازیکنان به نتیجه‌ای مقبول منجر شود. متداول‌ترین تفکیک مقدماتی که در این باره صورت گرفته تفکیک میان بازی با حاصل جمع صفر^۱ و بازی با حاصل جمع غیرصفر^۲ است که هر یک، انواع خاص خود را دارند. سه قاعده‌ی مشهور در نظریه بازی‌ها که مربوط به بازی استراتژی است عبارتند از: بازی با حاصل جمع صفر: بازیکن الف و ب، هر میزان امتیازی که الف به دست آورد ب به همان اندازه امتیاز از دست می‌دهد و برد یک بازیکن، باخت بازیکن دیگر است؛

بازی با حاصل جمع غیر صفر: در این نوع از بازی، سر جمع پیامد به دست آمده از بازی همیشه ثابت است. بدین لحاظ نوعی رقابت بین منافع دو بازی‌گر وجود دارد؛ اما حاصل آن صفر نیست. در بازی حاصل جمع غیر صفر نیز، الگویی ناب و یک پارچه از تعارض منافع بین بازی‌گران جریان دارد. گاه این بازی را بازی اکیداً رقابت‌آمیز^۳ می‌نامند. لازم به ذکر است که در الگوی «بازی با حاصل غیر صفر»، هر دو بازیکن امتیاز کسب می‌کنند و تنها درصد کسب امتیازها با یک دیگر تفاوت دارد؛

بازی با حاصل جمع متغیر: در این نوع بازی صرفاً تعارض بر سر منافع بازی‌گران حاکم نیست، بلکه بازی‌گران می‌توانند با اتخاذ استراتژی‌های انتخابی خود بر سرنوشت جبری واقعیات مبادلاتی بین خود تاثیر بگذارند (سیف زاده، ۱۳۸۱: ۲۷۹)؛

ماتریس بازده‌ها: از دیگر مفاهیم موجود در نظریه بازی‌ها، ماتریس پیامدهاست که به آرایش مستطیل شکل از پیامدهای گوناگون بازی گفته می‌شود. سطرهای این مستطیل متناظر با استراتژی‌های خودمان و ستون‌های آن متناظر با استراتژی‌های حریف است (ونتسل، ۱۳۷۳: ۱۲)؛

1 Zero-sum game

2 non-zero-sum game

3 Competitive

محیط کلی: محیطی است که بازی در آن اجرا می شود جدا از این که بازیکنان آن را به گونه کامل درک کنند یا نه. در این محیط است که بازی گران تهدیدهای ناشی از بحران را شناسایی می کنند و در پی گرفتن تصمیم بر می آیند؛

پرداخت‌ها یا بازده‌ها: پرداخت‌ها با نتایج تفاوت دارد. گاهی دو بازی گر درگیر مناقشه برای رسیدن به نتیجه ی هم سان هزینه‌های متفاوتی پرداخت می کنند. گذشته از این، هزینه‌های رسیدن به نتیجه برای بازیکنان گوناگون بسته به نظام های ارزشی آن ها معانی گوناگون دارد (دوئرتی، ۱۳۷۲: ۷۷۸). نکته ی مهم در این باره حساسیت و مشکلات تبدیل مفاهیم انتزاعی به مفاهیم انضمامی و قابل اندازه گیری است. مقدار پرداخت‌ها اغلب به دلیل مشکلات تبدیل مفاهیم انتزاعی به مفاهیم انضمامی به نحو کاملاً دلخواه و صرفاً برای تسهیل نمایش یک نقطه تعیین می شود. افزون بر این، استراتژی ها می توانند مرکب از نقشه‌های کاملاً پیچیده‌ای باشند و باز هم صرفاً به صورت استراتژی شماره ۱، استراتژی شماره ۲، یا استراتژی شماره n برای هر بازیکن مشخص شوند. بنابراین در نظریه بازی‌ها هم با استراتژی ها و هم با پرداخت‌ها برخوردی انتزاعی می شود (دوئرتی، ۱۳۷۲: ۷۷۹)؛

شرایط اطلاعاتی: شرایط اطلاعاتی تعیین کننده چند و چون آگاهی هر بازیکن از محیط اطراف و انتخاب‌های بی درنگ یا با تأخیری است که از سوی بازیکن دیگر صورت گرفته است (دوئرتی، ۱۳۷۲: ۷۷۸)؛

فعل و انفعال حرکتی: پژوهش گران در زمینه ی نظریه ی بازی‌ها پیشرفت یک بازی در گذر زمان را به گونه یک رشته گام های پی درپی یا حرکت به شمار می آوردند. در نظریه بازی‌ها یک حرکت یعنی گزینش از میان بدیل‌های که قواعد بازی مجاز می شمارد (ونتسل، ۱۳۷۲: ۸)؛

بازی‌های دو نفره با حاصل جمع صفر^۱: بیشتر نوشته‌ها پیرامون نظریه بازی‌ها، بازی‌ها را از لحاظ نحوه‌ی نمایش به شکل «استاندارد»^۲ی نشان می‌دهند که در آن، جزییات بازی ارائه نمی‌شود بلکه استراتژی‌های ممکن برای هر بازیکن و پرداخت‌های ملازم با هر استراتژی در قالب یک ماتریس^۲ [جدول] ارائه می‌گردد (دوثرتی، ۱۳۷۲: ۷۷۹).

نکته‌ی مهم این است که در بازی دو نفره با حاصل جمع صفر مطلوبیت نه خلق می‌شود و نه از بین می‌رود؛ به این ترتیب که آن چه یک بازی‌گر به دست می‌آورد مساوی با مقداری است که بازی‌گر دیگر از دست می‌دهد و بالعکس. در چارچوب بررسی ترجیحات بازیگران، این نوع بازی طوری است که ترجیحات بازی‌گران درست در نقطه مقابل یک دیگر تعریف می‌شوند. با توجه به این معیار است که برخی بر این باورند که بازی با حاصل جمع صفر در واقعیت روابط بین‌الملل وجود خارجی ندارد (Snyder Diesing, 1977: 38).

به عبارت دیگر در اغلب موقعیت‌های بازی، همواره در حوزه‌ای از منافع مشترک بین بازی‌گران وجود دارد. حتی در جنگ، به عنوان شکل شدید تضاد منافع، ممکن است دولت‌ها منافع مشترکی در تحدید قلمرو و تخصیص داشته باشند اما شایع نبودن بازی با حاصل جمع صفر خالص به این معنا نیست که مدل‌سازی این نوع بازی در حوزه‌ی علوم اجتماعی و روابط بین‌الملل سودمند باشد (طاهرخانی، ۱۳۹۰: ۲۳۴).

شناسایی و بررسی مختصات روی کرد اسرائیل در قبال پرونده هسته‌ای ایران به طور کلی و در قبال مذاکرات ۵+۱ با ایران به طور عام نشانگر این مطلب است که مطلوبیت انتظاری و ایده‌آلی اسرائیل برای فرجام مذاکرات ۵+۱ با ایران در چیزی شبیه مدل لیبی است که غرب توانست سرانجام با فشارهای وارده قذافی را وادار کند تا با تسلیم

1 Two-person zero-sum game

2 Matrix

شدن و نابودی منابع و تجهیزات هسته‌ای خود در مقابل موفقیت کامل غربی‌ها، شکست کامل را پذیرا شود.

۲. تحلیل روی کرد اسرائیل در قبال مذاکرات ۵+۱ با ایران بر پایه ی نظریه بازی ها

در عین حالی که رابطه برد- برد یا بازی با حاصل جمع غیرصفر در صحنه ی مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ نیز مورد قبول طرفین است و احتمال وقوع آن دور از انتظار نیست اما می توان گفت رابطه برد - باخت مخصوصاً از جانب آمریکا و اسرائیل یک گزینه ی ایده آل به حساب می‌آید. اما طرفین این بازی با قبول نقاط ضعف و قوت استراتژی های خود این حقیقت را قبول کرده‌اند که نمی‌توانند به موفقیت صددرصدی دست یابند و برای گرفتن امتیاز ناگزیر به دادن امتیازاتی به طرف دیگر است (مرضیه سخاوتی، ۱۳۸۹). برای روشن تر شدن موضوع لازم است که ابتدا به تعریف حالت برد کامل از دید هر یک از طرفین بپردازیم.

برد کامل برای ایران

لغو کلیه ی تحریم‌ها، به رسمیت شناخته شدن حقوق ایران برای استفاده از فناوری هسته- ای، کمک‌های فنی بدون محدودیت در حدود قوانین آژانس بین المللی انرژی اتمی، خارج شدن پرونده هسته ای ایران از شورای امنیت و اعتباربخشی به ایران به عنوان یک کشور مطرح در باشگاه هسته‌ای جهان است.

برد کامل برای اسرائیل

توقف نامحدود غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای، قبول پروتکل الحاقی NPT توسط ایران، اجازه بازرسی از مراکز حساس نظامی و غیرهسته‌ای و حتی نابودی تأسیسات اتمی مدرن و بومی ایران است.

حال در این بخش با توجه به وجود بازی گران اصلی و فرعی در پرونده‌ی هسته‌ای ایران نظیر؛ آمریکا، روسیه، چین، انگلیس، فرانسه و آلمان می‌خواهیم با بررسی استراتژی-های دو بازیکن اسرائیل (بازیکن الف) و ایران (بازیکن ب) بر مبنای آن چه در نظریه‌ی بازی‌ها و در قالب بازی استراتژی مطرح شد به آزمون شرایط دو طرف بر مبنای بازی با حاصل جمع صفر می‌پردازیم، مفروض ما با توجه به مواضع و فعالیت‌های صورت گرفته اتخاذ استراتژی بهینه از جانب اسرائیل در قبال ایران در رابطه با مذاکرات ۵+۱ به عنوان مطلوب‌ترین استراتژی ممکن است.

فعل و انفعال حرکتی اسرائیل در محیط این بازی بر مبنای قاعده بازی با حاصل جمع صفر است. هر میزان امتیازی که ایران (بازیکن الف) به دست آورد اسرائیل (بازیکن ب) به همان اندازه امتیاز از دست می‌دهد و برد ایران، باخت اسرائیل محسوب می‌شود. به عبارت دیگر اگر ایران در مذاکرات، ۵۰ امتیاز کسب می‌کند، اسرائیل دقیقاً به اندازه ۵۰ امتیاز از دست می‌دهد. در چنین صورتی یکی برنده‌ی مطلق خواهد بود و دیگری بازنده‌ی مطلق.

نکته‌ی حائز اهمیت این است که ماهیت پرداخت‌های دو بازیکن با یک دیگر متفاوت است. پرداخت‌های ایران در قالب حل پرونده هسته‌ای ایران و ناظر به مذاکرات است اما پرداخت‌های اسرائیل حالت تخریبی داشته و ناظر به هدف کلی این کشور برای مهار ایران هسته‌ای است. بنابراین اسرائیل آغازگر این بازی محسوب می‌شود. بدین ترتیب اسرائیل به عنوان بازی‌گر فرعی سعی در مداخله در مسیر حل پرونده برای هدایت مسیر آن به مقصد مورد نظر خود دارد.

تحلیل روی کرد اسرائیل در قبال مذاکرات ۱+۵ با ایران... / ۴۷

جدول شماره ۹: ماتریس پرداخت‌های ایران و اسرائیل در بین سالهای ۸۶ تا ۹۱

استراتژیهای بازیکن الف					ایران	اسرائیل		
V	IV	III	II	I				
تهدید متقابل نظامی	تقریب روابط با روسیه و چین	انسی سازی ۲۰٪	تصدب ساتریلیوزهای جدید	افزایش یا کاهش همکاری های دوخطیانه با آلژیر	ایران	اسرائیل		
۱۰- ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰- ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	i	لایس برای افزایش تحریم ها
۱۰- ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	ii	لایس در ایالات متحده
۱۰- ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	iii	مذاکرات با چین و روسیه
۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	iv	سند سازی برای مطالعات ادعایی
۱۰- ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	v	بزرگ نمایی تهدید هسته ای ایران
۱۰- ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	vi	حمله سایبری به تأسیسات هسته ای
۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	vii	ترور دانشمندان هسته ای
۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	۱۰+ ۱۰-	viii	تهدید به حمله نظامی

محتویات ماتریس بالا پرداخت‌های دو بازیکن را در بین سالهای ۸۶ تا ۹۱ ش. نشان می‌دهد. برای تسهیل نمایش نقطه تلاقی پرداخت‌ها شدت و اندازه استراتژی‌ها ۱۰+ و ۱۰- در نظر گرفته شده است. چنان چه مشاهده می‌شود دو بازیکن در طول مذاکرات پرداخت‌های مختلفی در راستای استراتژی‌های بازی داشته‌اند. نکته ی مهم این که این بازی هنوز به سرانجام نرسیده است و هنوز دادوستد تقابلی میان دو بازیکن در قالب بازی با حاصل جمع صفر ادامه دارد.

به طور کلی پیامد های به دست آمده از هر یک از استراتژی ها شدیداً منافع متضاد را برای بازیکن دیگر به وجود می آورد، به نحوی که هیچ گونه مصالحه‌ای بین منافع دو

بازیکن امکان پذیر نیست. به همین خاطر مقابله پیامدهای هر یک از استراتژی‌ها صفر است.

موفقیت در استراتژی‌های i، iv، vi و vii به معنای تداوم تعارضات است. احتمال این که تداوم تعارض در اثر این استراتژی‌ها نهایتاً موجب تضعیف جایگاه بازی گر الف شود، وجود دارد. ولی بازی گر الف نیز به آسانی حاضر تسلیم شدن نیست. همکاری مداوم با آژانس و اجرای پادمان‌ها و انجام بیش از ۷۵۰۰ نفر روز بازرسی از تأسیسات هسته‌ای به همراه بازرسی‌های سرزده نشان دهنده حسن نیت و تمایل ایران برای حل پرونده است.

پیگیری دو استراتژی III و IV از جانب بازیکن الف باعث تغییر قواعد بازی و بهبود وضعیت ایران در میز مذاکرات شده است. استراتژی iii هم در این بین تلاش مضاعف بازیکن ب برای گرفتن امتیاز تعیین کننده و حساس برای تحمیل باخت به بازیکن الف است. سفرهای مقامات اسرائیل به روسیه و چین در این مدت تجلی این استراتژی است اما به دلیل جهت گیری خاص چین و روسیه در پرونده هسته‌ای ایران هنوز این استراتژی به نتیجه نرسیده است.

اتخاذ استراتژی‌های iv و v از جانب بازیکن ب سبب بروز گفت‌وگوها بین ایران و آژانس درباره اسناد ادعایی در رابطه با ابعاد احتمالی نظامی (PMD) نسبت داده شده به فعالیت هسته‌ای ایران شده است.

نهایتاً به دلیل ماهیت توأمان ایدئولوژیک و استراتژیک این بازی برای بازیکن ب استراتژی‌های vi و vii و viii طراحی و اجرا شده است. با این حال موفقیت در اجرای این استراتژی‌ها و تحقق اثر دل خواه در زمین بازیکن الف و کسب امتیاز لازم در هاله‌ای از ابهام است و خبرهای بسیاری از عدم دریافت این امتیاز حکایت می‌کند.

این احتمال وجود دارد که استراتژی‌های دیگری نیز توسط دو بازیکن در قالب پرداخت های متقابل اتخاذ شود. به طور مثال می‌توان به عملی کردن تهدید به حمله نظامی از طرف بازیکن ب اشاره کرد و هم چنین کنار آمدن با حق غنی‌سازی در سطح ۳,۵٪ یا ۵٪ سعی در اعمال فشار برای نظارت بیشتر و خارج کردن انباشت اورانیوم ۲۰٪ از ایران یا کند. طبیعتاً بازیکن الف نیز می‌تواند با انتخاب استراتژی‌های جدید خود را از تاثیر استراتژی‌های تنش زای اسرائیل برهاند یا آن که با ادامه استراتژی‌های IV و II حداکثر فشار را به طرف مقابل وارد کند و با توسعه استراتژی‌های جدید زمین بازی را بزرگ تر کند.

البته مسائلی نظیر جنبه ی فرامنطقه‌ای بحران سوریه و رقابت‌های به وجود آمده بر سر آن از جمله متغیرهای مهمی است که دارای اثرات غیرمستقیم بر روی بازی است. ایجاد ارتباط میان پرونده هسته‌ای ایران و مسائل سوریه برای تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران و سپس در میز مذاکرات به نفع خواسته‌های بازیکن ب از جمله پرداخت‌های ممکن در آینده است. البته بازیکن الف نیز در صورت موفقیت در رابطه با بحران سوریه از طریق حمایت از بشار اسد و کمک به انتقال قدرت در بلندمدت به جریان‌ها و احزاب داخلی نزدیک به ایران قادر به کسب امتیاز اثرگذاری خواهد بود.

ادامه استراتژی‌هایی که دامنه اثرگذاری آن نیازمند استمرار و پیگیری است نظیر استراتژی‌های i و ii بازیکن ب و استراتژی I بازیکن الف از جمله ابعاد مهم این بازی است. شناسایی نقاط قوت و ضعف استراتژی‌های حریف یقیناً راه گشای طراحی استراتژی‌های جدید، گرفتن امتیاز و در نهایت برد بازی خواهد بود.

استراتژی‌های بالا به این شرح قابل خواندن هستند:

بازیکن الف؛ ایران

استراتژی I – افزایش یا کاهش همکاری های داوطلبانه با آژانس: همکاری های ایران با آژانس انرژی اتمی فراز و فرودهای مختلفی را شاهد بوده است. ایران از سال ۲۰۰۳ م طی سه سال همکاری با آژانس و انجام اقدامات داوطلبانه فراتر از معاهده NPT به عنوان اقدامات اعتمادساز، پروتکل الحاقی را امضا و اجرا کرد و اجازه ی بازرسی های بسیاری از تأسیسات را خود داد. ایران در واکنش به قطع نامه ی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که خواستار تعلیق فعالیت های سایت فردو شده بود با تأکید بر عدم اجرای این قطع نامه اعلام کرد که تمام فعالیت های داوطلبانه خود با آژانس را قطع خواهد کرد. پارلمان ایران پیش از این تصویب کرده بود که در صورت هرگونه ارجاع یا گزارش و اطلاع در مورد پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، دولت ایران کلیه همکاری های داوطلبانه خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تعلیق در آورد و منحصرأ در چارچوب معاهده NPT و اساس نامه آژانس عمل کند.

ایران در واکنش به تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ م در نشست شورای حکام در وین، اعلام کرد که همکاری های خود را طبق مصوبه ی مجلس با آژانس را محدود خواهد کرد. بر این اساس ایران سطح همکاری های خود با آژانس را به کمترین حد تنزل داد. با این حال ایران بارها اعلام کرده است، به همکاری با آژانس ادامه خواهد داد و انجام بیش از ۷۵۰۰ نفر روز بازرسی از تأسیسات هسته ای تا به امروز تنها بخشی از این همکاری هاست.

استراتژی II – نصب سانتریفیوژهای جدید: ایران تاکنون نسل های مختلفی از سانتریفیوژها را مورد تحقیق و توسعه قرار داده است. بر اساس گزارش آژانس در ۲۴ اردیبهشت (۱۴ مه ۲۰۱۳ م)، «۱۹ سانتریفیوژ IR-4، چهارده سانتریفیوژ IR-6، سه سانتریفیوژ IR-6s، یک سانتریفیوژ IR-5» در آبشار ۲، «نوزده سانتریفیوژ IR-1، سه

سانتریفیوژ IR-2m، دو سانتریفیوژ IR-1 « در آبشار ۳، «۱۶۴ سانتریفیوژ IR-4» در آبشار ۴ و ۱۶۲ سانتریفیوژ IR-2m در آبشار ۵ نصب شده است.

تعداد سانتریفیوژها و آمار دقیق آن توسط بازرسان آژانس در گزارش‌های این نهاد بین‌المللی ارائه می‌شود اما فریدون عباسی، رییس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران در آخرین سخنرانی خود سانتریفیوژهای نصب شده و در حال فعالیت را مجموع ۱۸ هزار عدد اعلام کرد (ایسنا، ۱۳۹۲).

ایران از بهمن‌ماه ۱۳۹۱ ش به نصب تعداد قابل توجهی از سانتریفیوژهای نسل دوم با نام IR-2m که توسط متخصصان داخلی ساخته شده است در سالن A کارخانه غنی‌سازی سوخت اقدام کرد. بر اساس گزارش خردادماه آژانس، در تاریخ ۲۵ اردیبهشت (۱۵ مه ۲۰۱۳ م) چهار آبشار به طور کامل و یک آبشار نیمه کاره با سانتریفیوژهای IR-2m و غلاف‌های سانتریفیوژ خالی نصب و کارهای مقدماتی نصب ۱۳ آبشار دیگر با سانتریفیوژهای IR-2m انجام شده است (تابناک، ۱۳۹۲).

بر اساس گزارش آژانس، در حال حاضر حدود ۷۰۰ سانتریفیوژ IR-2m و غلاف سانتریفیوژهای خالی در سالن A کارخانه غنی‌سازی سوخت (نطنز) نصب شده است که نسبت به گزارش قبلی مدیر کل بیش از پانصد عدد افزایش یافته است که این روند از پیشرفت فنی قابل توجه در زمینه غنی‌سازی حکایت می‌کند.

روزنامه آمریکایی کریستین ساینس مانیتور با اشاره به این پیشرفت فنی در گزارشی تصمیم ایران برای استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته تر در تأسیسات غنی‌سازی هسته ای را عاملی دانست که معادلات بازی را تغییر می‌دهد. این روزنامه آمریکایی ضمن اشاره به گزارش‌هایی که رسانه‌ها در این باره منتشر کرده اند از قول «مارک فیتزپاتریک»، که مدیریت برنامه خلع سلاح و عدم اشاعه «موسسه علوم و امنیت بین‌الملل» را به عهده دارد

می نویسد: «نصب سانتریفیوژهای کارآمدتر از سوی ایران در نطنز می تواند تغییردهنده معادلات بازی باشد» (CSmonitor, 2013: 1).

استراتژی III - غنی سازی ۲۰ درصد: در حقیقت آن چه باعث حرکت ایران به سمت تولید اورانیوم ۲۰ درصد شد، نیاز به تأمین سوخت راکتور تحقیقاتی تهران بود؛ راکتوری که در سال ۱۹۶۷ م توسط ایالات متحده آمریکا در مرکز تحقیقات اتمی تهران ساخته شد. در سال ۱۹۸۷ م ایران قراردادی با آرژانتین برای تغییر هسته ی راکتور و تغییر سوخت آن از اورانیوم ۹۳ درصد به اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده امضا کرد. ارزش این قرارداد ۵/۵ میلیون دلار بود و پس از آن نیز آرژانتین نزدیک به ۱۱۶ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصد برای ایران جهت تولید رادیو دارو توسط راکتور تهران ایران فراهم کرد. مقامات ایران ۳ سال قبل از اتمام این سوخت درصدد تهیه اورانیوم ۲۰ از بازارهای جهانی بودند که به دلیل تحریم ها موفق به خرید آن نشدند. از طرفی مخالفت و کارشکنی آمریکا با توافق سه‌جانبه بین ایران، برزیل و ترکیه برای مبادله اورانیوم در نهایت باعث شد، ایران غنی سازی ۲۰ درصد را شروع کند که این اقدام ایران با واکنش شدید غرب روبه رو شد. اما به هر ترتیب غنی سازی ۲۰ درصد برای ایران یک ثروت راهبردی و استراتژیک در مذاکرات به حساب می آید.

استراتژی IV - تقویت روابط با روسیه و چین: طی بیش از دو دهه تقابل با غرب و تهدیدات ضمنی و آشکار اسرائیل برای حمله به ایران، تهران همواره به دنبال متحدان قابل اتکا بوده است. متحدانی که بتوانند به خوبی تعادل منفی در روابط بین‌المللی علیه ایران را به حالت توازن باز گردانند و احیاناً جلوی اقدامات مخرب غرب را بگیرند.

گرچه تأثیرگذاری در عرصه ی بین‌الملل تنها نباید و نمی‌تواند متکی به رابطه با دو کشور، حتی دو کشوری که از اعضای اصلی شورای امنیت سازمان ملل و از بازی گران مهم عرصه بین‌الملل هستند، باشد و برای حضور موثر در این عرصه نیاز به اعتمادسازی، افزوده

شدن بر شرکای سیاسی و اقتصادی، افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی است و اگرچه در برخی مقاطع حساس به دفاع از ایران با توجه به منافع خود نپرداختند، اما دفاع تلویحی و حتی سکوت و رأی ممتنع آن‌ها نیز در این مقاطع کمک شایانی به ایران کرده است.

نکته ای که باید در ارتباط نوع نگاه پکن و مسکو نسبت به مسایل ایران در سطح منطقه ای و بین‌المللی به آن توجه نمود، این است که تداوم روند سیاست غرب ستیزی به دلیل فشارهای یک جانبه امریکا و برخی از کشورهای اروپایی به ویژه در مسایل فعالیت های هسته ای ایران باعث شد مسئولان ایرانی برای کاستن از فشارهای غرب و ایزوله نشدن در منطقه، روند گسترش مناسبات با روسیه و چین را پیگیری کنند.

استراتژی V - تهدید متقابل نظامی: در این استراتژی پاسخ ایران به تهدید نظامی

اسرائیل راهبرد تهدید در برابر تهدید و اقدام در برابر اقدام بوده است. رهبری جمهوری اسلامی ایران نوزدهم آبان ۹۰ طی سخنانی که در بسیاری از رسانه‌های جهان بازتاب داشت گفت «ما ملتی هستیم که هرگونه تجاوز را، بلکه هرگونه تهدید را، با استواری و با قدرت کامل پاسخ خواهیم داد». ما در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم. «هر کسی فکر تجاوز به جمهوری اسلامی ایران در مخیله‌اش خطور کند، باید خود را آماده‌ی دریافت سیلی‌های محکم و مشت‌های پولادین کند». جدی‌ترین تهدید توسط ایشان اول فروردین ۱۳۹۱ ابراز شد «در صورت حمله اسرائیل؛ جمهوری اسلامی ایران، تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد» تأکید صریح ایشان بر نابودی حیفا و تل‌آویو در پاسخ به هرگونه اقدام از سوی دشمن از یک‌سو بیانگر آمادگی فوری ایران برای پاسخ به هرگونه تهدید، از سوی دیگر بیانگر عمق توان راهبردی ایران برای تولید پاسخ و مهم‌تر نشان‌دهنده آن بود که ایران برنامه‌ریزی‌های عملیاتی کاملاً دقیقی انجام داده با این هدف که در موقع نیاز به پاسخ، دیگر حاجتی به برنامه‌ریزی مجدد و بازنگری طرح‌های عملیاتی نداشته باشد. معنای بسیار مهم دیگر این فرمایش این بود که ایران هرگونه حمله به برنامه هسته‌ای خود

را مساوی موجودیت رژیم صهیونیستی می‌داند و در حین پاسخ نه برنامه هسته‌ای این رژیم، بلکه مستقیماً موجودیت آن را هدف خواهد گرفت.^۱ فرماندهان نظامی نیز با اشاره به توانمندی ایران برای مقابله با هرگونه تهدید نظامی، بارها تاکید کرده اند که هر اقدام نظامی اسرائیل، موجب نابودی آن می‌شود و در صورت تهدید مراکز هسته‌ای ایران، تأسیسات دیمونای رژیم اشغالگر در دسترس‌ترین هدف برای ایران است.

بازیکن ب؛ اسرائیل

استراتژی i - ترور دانشمندان هسته‌ای: ترور چهار تن از دانشمندان هسته‌ای و اعترافات دستگیرشدگان در این رابطه، نقش دستگاه جاسوسی موساد در این خصوص را تأیید می‌کند.

۲۲ دی ۸۸ مسعود علی محمدی

۸ آبان ۸۹ فریدون عباسی

۸ آذر ۸۹ مجید شهریاری

۱ مرداد ۹۰ داریوش رضایی نژاد

۲۱ دی ۹۰ مصطفی احمدی روشن

استراتژی ii - حمله سایبری به تأسیسات هسته‌ای: استاکس نت^۱ شعله^۲ دوکو^۳ و گاوس^۴ مجموعه بدافزارهایی هستند که با هدف متوقف ساختن برنامه هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم در ایران طی حملات سایبری مورد استفاده قرار گرفته است.

1 Stuxnet

2 Flame

3 Doko

4 Gauss

ژوئیه سال ۲۰۱۳ م، ادوارد اسنودن^۱ اعلام کرد بدافزار استاکس نت با همکاری مشترک آمریکا و اسرائیل ساخته شده است (ABCnews, 2013: 7). روزنامه واشنگتن پست نیز ۳۰ خرداد، ۱۹ ژوئن گزارش داد که برای ایجاد ویروس شعله آژانس امنیت ملی آمریکا، سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) و ارتش رژیم اسرائیل با یک دیگر همکاری کردند (Washingtonpost, 2012: 6).

استراتژی iii - مذاکرات با چین و روسیه: در ادامه تلاش مستمر اسرائیل برای مهار ایران، روسیه و چین به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت و اعضای گروه ۵+۱ شاهد سفرهای مقامات اسرائیلی به این کشورها بوده است. در این چارچوب بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل سفرهایی به مسکو و چین برای بررسی تعدادی از مسائل راهبردی مهم به ویژه موضوع ایران و تحولات مربوط به پرونده هسته‌ای ایران داشته است.

طبق اسناد فاش شده توسط ویکی لیکس - که مربوط به مکاتبات سفارت آمریکا در روسیه است - نتانیاهو در این دیدارها در مورد تحریم‌ها فهرستی از زمینه‌هایی که اسرائیل احساس می‌کند، تحریم‌ها می‌توانند باعث تغییر رفتار ایران شوند را به دولت روسیه ارائه داده است. این فهرست شامل محدودیت‌هایی در زمینه صادرات تولیدات انرژی ایران و واردات محصولات نفتی پالایش شده توسط ایران، بخش‌های مالی و بانکداری و شرکت‌های کشتیرانی و هوافضایی بوده است (ایران هسته‌ای، ۱۳۸۹).

بنیامین نتانیاهو همین‌طور در جریان سفر ۵ روزه اش به چین که در تاریخ پنجم تا دهم ماه می در قالب اولین سفر خارجی خود پس از پیروزی در انتخابات صورت گرفت. در دیداری که با رئیس‌جمهور چین داشت، تأکید کرد که ایران و برنامه‌های اتمی آن نه تنها صلح و ثبات خاورمیانه را به خطر می‌اندازد، بلکه جریان آزاد نفت به کشورهای جهان را نیز تهدید می‌کند. تا جایی که امکان دارد نظام ایران تنگه هرمز را بسته و جلوی

رسیدن نفت به جهان را بگیرد و هر قدر که بخواهد از کشورهای دیگر اخاذی نماید (JerusalemPost, 2013: 5).

استراتژی iv - لابی در ایالات متحده: علاوه بر ارتباطات فراوان در سطح مقامات،

نقش ایپک^۱ به عنوان لابی بانفوذ اسرائیل برای هدایت قدرت و سیاست خارجی امریکا برای تشدید فشارها علیه ایران حائز اهمیت است. اکنون بیش از یک دهه است که اقداماتی چون جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران در دستور کار ایپک قرار دارد که در این راستا لابی ایپک برای تصویب تحریم‌های بیشتر و همین‌طور قطع نامه غیرالزام آور «جهت‌گیری کنگره» که بر طبق آن اگر اسرائیل مجبور شود در دفاع از خود دست به اقدام نظامی بزند، آمریکا باید از لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی اسرائیل را مورد حمایت قرار دهد تا اسرائیل بتواند از خاک، اتباع و موجودیتش دفاع کند.

استراتژی v - تهدید به حمله نظامی: دنیا بارها شاهد خبر حمله قریب الوقوع

اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در طی مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران بوده است. مقامات اسرائیلی معتقدند بدون قرار داشتن یک تهدید معتبر نظامی کنار گزینه‌هایی مانند تحریم، مذاکره و عملیات اطلاعاتی امکان تغییر محاسبات ایران درباره برنامه هسته‌ای‌اش وجود نخواهد داشت (Haaretz, 2013: 7).

استراتژی vi - لابی برای افزایش تحریم‌ها: شروع دور جدید تحریم‌ها علیه

ایران از جانب کشورهای غربی در جهت توقف در پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران از جمله مهم‌ترین ابزارهای طرف غربی برای فشار بر ایران محسوب می‌شود. این تحریم‌ها که به ادعان مقامات غربی بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها علیه یک کشور محسوب می‌شود، برای اسرائیل تنها راه معتبر برای بازداشتن ایران از رسیدن به نقطه‌ی آستانه‌ای محسوب می‌شود.

اسرائیل در این زمینه لابی‌های خود در فرانسه، انگلیس و آمریکا را برای افزایش تحریم‌ها فعال کرده و در بعضی موارد حتی به عنوان هماهنگ‌کننده تحریم‌ها علیه ایران عمل کرده است. البته اسرائیل از همان ابتدا مایل بود با قفل شدن مذاکرات ژنو، بلافاصله تحریم‌های تازه و فشارهای سیاسی گسترده علیه ایران در دستور کار قرار گیرد اما با حاضر شدن ایران در میز مذاکرات تحقق این خواسته به تأخیر افتاد.

به عنوان نمونه می‌توان به سفر دنی آبالون^۱ معاون وزیر امور خارجه رژیم به کلمبیا که یکی از اعضای کنونی غیردائم شورای امنیت سازمان ملل و رئیس کمیته نظارت بر تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران و سودان اشاره کرد.

وی در دیدار با مقامات ارشد دولت کلمبیا در شهر بوگوتا بر اقدام کشورهای منطقه امریکای جنوبی برای اعمال تحریم علیه نفت ایران تأکید کرد و گفت کلمبیا از هم‌پیمانان استراتژیک اسرائیل در منطقه امریکای لاتین به شمار می‌آید. این مقام اسرائیلی هم‌چنین از کلمبیا خواست برای مقابله با شوک در بازارهای جهانی انرژی پس از اعمال تحریم‌های نفتی علیه ایران که ممکن است بحران منطقه‌ای و افزایش بهای نفت خام را به دنبال داشته باشد، میزان تولید نفت خام خود را افزایش دهد (JerusalemPost, 2012: 9).

استراتژی vii - سند سازی برای مطالعات ادعایی: در عین حالی که برای

رسیدگی به مطالعات ادعایی در چارچوب سازوکارهای آژانس، مقررات خاصی وجود ندارد و مضافاً رویه‌ی مشخصی در این خصوص تاکنون شناسایی نشده است اما رسیدگی به این ادعاها در قالب مدالیت‌های مختلف میان ایران و آژانس صورت گرفته است. بسیاری اسرائیل را بازی‌گر اصلی سندسازی و افشاگری اطلاعات علیه برنامه هسته‌ای ایران برای گسترش نگرانی‌های ناشی از ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران می‌دانند (Globalresearch, 2010: 11).

استراتژی viii - بزرگ نمایی تهدید هسته ای ایران: هجمه رسانه‌ای برای تهدیدزا

نشان دادن فعالیت‌های هسته‌ای ایران برای جهان و مخصوصاً کشورهای منطقه با تبلیغاتی هم چون به هم خوردن تعادل و توازن قوا کشورهای عربی، آلودگی‌های زیست محیطی در منطقه بر اثر تشعشعات هسته‌ای، تبدیل شدن ایران به قدرتی منطقه‌ای و افزایش پشتوانه صدور انقلاب به کشورهای همسایه و القا کردن وجود انحراف در فعالیت‌های هسته‌ای به صورت فعالیت‌های نظامی و انجام غنی سازی سطح بالا یا تهیه پلوتونیم از ته مانده سوخت هسته‌ای توسط رسانه‌ها و مقامات اسرائیلی صورت گرفته است.

تحریک کشورهای غربی با طرح این مسأله که ایران، دانش هسته‌ای خویش را به دیگر کشورهای دوست خود، مانند سوریه یا گروهایی چون حماس و حزب الله انتقال خواهد داد و زمینه‌های تکثیر و رقابت برای به دست آوردن سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه را ایجاد خواهد کرد، از جمله مهم ترین محورهای بزرگ نمایی تهدید ایران هسته‌ای و دامن زدن به ایران هراسی است.

نتیجه گیری

تحلیل روی کرد رژیم صهیونیستی بر مبنای مطلوبیت‌ها و ترجیحات این بازی گر نشان می‌دهد نتیجه ی مطلوب برای این رژیم باز کردن پیچ و مهره‌های تأسیسات هسته‌ای ایران از دل مذاکرات ۵+۱ است اما کنش‌های ایران در مذاکرات به عنوان یک بازی گر عاقل و قدرتمند این آرزو را برای مقامات این رژیم دست نیافتنی کرده است. پرداخت‌های دو بازیکن را در بین سال‌های ۸۶ تا ۹۱.ش نشان می‌دهد کیفیت بازی اثرات محسوسی در روند مذاکرات داشته است اما به دلیل اجتناب ناپذیر بودن تعریف بازی اصلی در قالب بازی برد-برد بین ایران و طرف غربی، شکل دادن نتیجه ی نهایی مطلوب در نهایت در دست ایران و کشورهای ۵+۱ خواهد بود. نکته ی دیگر این که صرف نظر از ارزش بازی

دو نفره با حاصل جمع صفر به عنوان یک وضعیت اکیداً رقابت آمیز، باید یادآور شد که در موقعیت‌های این چنینی، تعداد بازی گران بیش از اینهاست، چنان که در پرونده‌ی هسته‌ای ایران؛ بازی گرانی نظیر آژانس، جنبش عدم تعهد، شورای امنیت، گروه ۵+۱، ترکیه و برزیل نقش‌های مهم و کلیدی داشته‌اند. در پایان ضمن اشاره به این محدودیت می‌توان نظریه‌ی بازی‌ها را پیوند دهنده‌ی ابعاد کلان نظریه‌پردازی و داده‌های خاص تحولات سیاسی و بین‌المللی به مثابه یک بازی برای ایجاد درک بیشتر و بهتر سیاست مداران به حساب آورد.

منابع

«بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ های ۹۰/۸/۱۹ و ۹۲/۱/۱» در سایت
farsi.khamenei.ir قابل دسترسی است.

دوئرتی، جیمز و فالتز گراف، رابرت (۱۳۷۲)، «نظریه های متعارض در روابط بین
الملل»، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: قومس.

سیف زاده، حسین. (۱۳۸۱)، «نظریه پردازی در روابط بین الملل، مبانی و قالبهای فکری».
تهران سمت.

ونتسل، ی.س (۱۳۷۳)، «نظریه بازی ها و کاربرد آن در تصمیم گیریهای استراتژیک».
ترجمه جلیل روشندل و علیرضا طیب. تهران: قومس.

طاهرخانی ستاره. ۱۳۹۰، «درآمدی بر نظریه بازیها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۵،
شماره ۱، ص ۲۴۲-۲۱۹.

هرسیچ، حسین، ببری سکینه. (۱۳۸۵). «تحلیل پرونده هسته ای ایران بر پایه تئوری حرکت»
اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۲۱.

سखाوتی مرضیه ۸۹/۱۰/۲۷، «بازی با حاصل جمع صفر یا غیر صفر(به بهانه نشست ایران با
گروه ۵+۱: ژنو)»

<http://www.siasatrooz.ir/vdch6vnm.23n-wdft2.html>

ایسنا، ۹۲/۵/۳۰، عباسی، ۱۸، «هزار سانتریفیوژ نصب و در حال فعالیت هستند».

<http://isna.ir/fa/news/92052614956>

تابناک، ۹۲/۳/۵، «آزمایش نسل جدید سانتریفیوژها توسط ایران».

<http://www.tabnak.ir/fa/news/321933>

رجانیوز، ۸۸/۷/۱۲، «اسرائیل: مذاکرات ژنو مهم، قاطع».

<http://www.rajaneews.com/detail.asp?id=37386>

تحلیل روی کرد اسرائیل در قبال مذاکرات ۵+۱ با ایران... / ۶۱

فارس ، ۹۰/۱۲/۱۷ ، «واکنش محتاطانه رژیم صهیونیستی به از سرگیری مذاکرات ایران و ۵+۱».

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901217001368>

دیپلماسی ایرانی ، ۹۱/۲/۷ ، «تل آویو نمی تواند مذاکرات را تحمل کند».

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1900458>

ایران هسته ای ، ۸۹/۱۲/۱۰ ، «اسناد فاش شده توسط ویکی لیکس مربوط به مکاتبات سفارت آمریکا در روسیه».

<http://www.irannuc.ir/fa/content/645>

ایران هسته ای ۹۱/۱/۷ ، «اسرائیل در روند مذاکرات آتی ۵+۱ با ایران در استانبول اخلال ایجاد نکند».

<http://www.irannuc.ir/fa/node/2080>

Ephraim Asculai 2006 "Is There a Diplomatic Solution to the Iranian Nuclear Issue?"

www.inss.org.il/publications.php?cat=21&incat=&read=324

Asculai & Landau 2005 "Iran's Nuclear Program and Negotiations with the EU-3"

www.inss.org.il/publications.php?cat=21&incat=&read=166

"Israeli-officials-Iran talks do only one thing give Teheran more time"

<http://www.jpost.com/Iranian-Threat/News/Israeli-officials-Iran-talks-do-only-one-thing-give-Teheran-more-time-323526>

"Israel cautiously welcomes western nuclear talks with Iran"

<http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/israel-cautiously-welcomes-western-nuclear-talks-with-iran-1.417087>

"Barak says Israel never ruled out attacking Iran"

<http://www.foxnews.com/world/2012/04/17/barak-says-israel-never-ruled-out-attacking-iran/>

"Bad news unwelcome: Israel refuses to listen to US envoy's report on Iran"

<http://rt.com/news/israel-us-report-iran-301/>

"Lieberman: how will the world stop iran if it cant stop north korea"

- <http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/lieberman-how-will-the-world-stop-iran-if-it-can-t-stop-n-korea-1.326354>
"Positive Iran-P5+1 talks in Almaty, Israel's total defeat"
Report<http://www.presstv.com/detail/2013/03/11/293050/iranp51-talks-israels-total-defeat/>
- "Steinitz: Only tangible threat will halt Iran nukes"
<http://www.jpost.com/Iranian-Threat/News/Steinitz-Only-tangible-threat-will-halt-Iran-nukes-308914>
- "Netanyahu says Iran using nuclear talks to "buy time" for bomb"
<http://www.reuters.com/article/03/03/2013/us-iran-nuclear-israel-idUSBRE92204F20130303>
- "Edward Snowden: U.S., Israel 'Co-Wrote' Cyber Super Weapon Stuxnet"
<http://abcnews.go.com/blogs/headlines/2013/07/edward-snowden-u-s-israel-co-wrote-cyber-super-weapon-stuxnet>
- "U.S., Israel developed Flame computer virus to slow Iranian nuclear efforts, officials say"
http://articles.washingtonpost.com/2012-06-19/world/35460741_1_stuxnet-computer-virus-malware
- Netanyahu heads to China for Iran, Syria talks"
<http://www.jpost.com/Diplomacy-and-Politics/Netanyahu-to-leave-for-5-day-China-visit-312075>
- "Netanyahu sounds Iran nuclear alarm again but attack not on horizon"
<http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/.premium-1.535951>
- "Ayalon calls on UN to impose oil embargo on Iran"
<http://www.jpost.com/Diplomacy-and-Politics/Ayalon-calls-on-UN-to-impose-oil-embargo-on-Iran>
- "The Mysterious Laptop Documents: "Evidence" of Iran Nuclear Weapons Program May Be Fraudulent"
<http://www.globalresearch.ca/the-mysterious-laptop-documents-evidence-of-iran-nuclear-weapons-program-may-be-fraudulent/21994>
- "Israel suspected over Iran nuclear programme inquiry leaks"
<http://www.theguardian.com/world/2012/dec/10/israel-suspected-iran-nuclear-programme-leaks>
- "Why Iran's nuclear enrichment upgrade may be a game changer"

تحليل روی کرد اسرائیل در قبال مذاکرات ۵+۱ با ایران... / ۶۳

<http://www.csmonitor.com/USA/Foreign-Policy/0131/2013/Why-Iran-s-nuclear-enrichment-upgrade-may-be>